

# بهترین معلم بچه‌ها، خو باشید!

پرورش کودکان در سالهای  
قبل از مدرسه



# شما باید

کودکان بسیاری هستند که حرفهای معلم را نمیفهمند یعنی کلمات زبان مادری خود را متأسفانه آنقدر نمیدانند که معنای حرف معلم خود را درک کنند و در نتیجه از درس او چیزی سردر نمی آورند، در حقیقت نخستین شرط یادگیری طفل دانستن زبان مادری با اندازه کافی است، هر قدر اطفال بیشتر حرف بزنند و از بزرگترهای خود زیادتر سؤال کنند، کلمات زیادتری از زبان را فرا می گیرند و بهمان نسبت دروس خود را در مدرسه آسانتر میفهمند. و ضمناً نکته ای که پدران و مادران و کلیه خویشان باید بدانند اینست که هیچگاه با بچهها نباید با اصطلاح بالهجه بچگی و کودکانه صحبت کنند بلکه باید با آنها کاملاً بزبان عادی که با دیگران حرف میزنند مکالمه کنند، از این نوع مکالمات کودکان می توانند کلمات زیادی را از زبان بیاموزند.

عادت کنید که هر روزه برای کودک خود چند سطر از اخبار با مزه و خنده دار روزنامه ها را بخوانید این کار حس کنجکاوی و پرس و چورا در کودکان بیدار می کند، بچه ها را وادار کنید هر روزه چند بار با قوام و خویشان تلفن کنند، این گفتگوهای تلفنی میزان هوش و درک اطفال را بالا میبرد - کلمات مختلفی را که یک نوع تلفظ می شوند و معانی مختلف دارند مانند شیر (خوراکی) و شیر (حیوان درنده) را برای بچه ها تکرار کنید و آنها را با این کلمات آشنا کنید.

غیر از کلمات، برای بچه ها، رنگها و شکل اشیاء نیز اهمیت دارند آنها قبل از آنکه بمدرسه بروند باید رنگهای مختلف را بشناسند و از یکدیگر تشخیص دهند، شناختن رنگها مخصوصاً از نظر چراغها و تابلوهای راهنمایی و رانندگی اهمیت بسیار زیاد دارد، هر ساله هزاران کودک بر اثر حوادث رانندگی جان خود را از دست میدهند این کودکان آنهایی هستند که متأسفانه قبل از مدرسه

رفتن به مقررات راهنمایی و رانندگی آشنائی پیدا نکرده‌اند و رنگ چراغ‌های راهنمایی و تابلوها را نمی‌دانند و بهمین جهت غالباً وقتی چراغ قرمز است از عرض خیابان می‌خواهند بگذرند و حوادث ناگواری را بوجود می‌آورند .

يك كودك قبل از آنكه بمدرسه برود خیلی چیزهاست که باید یاد گیرد و وظیفه تعلیم او را هم پدر و مادر بعهده دارند .

این نکات مهمی است که اطفال قبل از رفتن بمدرسه باید خوب بدانند و بتوانند انجام دهند :

\* بچه‌ها باید بتوانند بمنتهائی دست و صورتشان را بشویند و آنرا خشک کنند .

\* آنها باید خودشان بتوانند به توالت بروند و در این مورد احتیاج به کمک نداشته باشند .

\* باید بتوانند تکمه‌های لباس‌های خود را بسته و باز کنند و بهمین ترتیب بند کفش خود را باز کرده و به بندند .

\* بایستی با قاشق و کارد و چنگال بتوانند غذا بخورند .

\* باید تا حدودی با نقاشی کردن رنگ آمیزی اشکال، آشنائی داشته باشند .

\* باید تا اندازه‌ای شمارش را بلد باشند و مقدار کمی از اشیاء را بتوانند بشمارند .

\* باید وقتی با آنها صحبت می‌کنند عادت کرده باشند که تمرکز حواس و فکر داشته باشند و به چیز دیگری جزء صحبت متمکلم توجه نکنند .

\* باید بتوانند تا حدود ۴۵ دقیقه آرام‌روی سندی بنشینند و برای اینکار بایستی قبلاً با آنها تمرین کرد زیرا در غیر اینصورت در همان جلسه اول از کلاس فراری خواهند شد .

\* باید آتقدر پشتکار داشته باشند که بتوانند يك كار و وظیفه‌ای را تا آخر بانجام برسانند .

\* باید بوسیله سمعی و بصری اشیاء را از یکدیگر تشخیص داده و رنگ را بشناسند .

\* باید راست و چپ ، عقب و جلو ، بالا و پائین ، داخل و خارج را شناخته و از یکدیگر تشخیص دهند .

اما نکته مهمی را که باید تذکر داد این است که این نکات و موارد را فقط در يك مدت کوتاه و مثلاً همان هفته آخری که طفل به مدرسه باید برود نمی‌توان باو آموخت ، اینکار احتیاج به زمان دارد و از همان مواقعی که طفل زبان باز میکند باید شروع شود .

اگر كودك شما استعداد فرا گرفتن قسمتی از تعلیمات شما را نداشت ناراحت نشوید ، كودك ممكن است در يك قسمت بی‌استعداد باشد ولی در سایر جهات دارای استعداد خواهد بود . اما اگر واقعاً كودك بیشتر تعلیمات شما را درك نکرد در آنصورت بهتر است که به يك پزشك روان‌شناس و متخصص مراجعه فرمائید .

اینك برای آنكه شما بدانید كه كودكان در هر سن معمولاً چه كارهایی را باید بتوانند انجام دهند و در حقیقت فرزند شما طبیعی است یا باید او را نزد پزشك ببرید راهنمایی مختصری در زیر می‌کنیم :

### كارهای كودكان سه ساله

بچه‌های سه ساله می‌توانند با مهره ، پل یا خانه‌هایی تا سه طبقه درست کنند ، کاغذها را تا می‌کنند ، شکل ساده‌ای از انسان را می‌کشند یعنی يك شکل گرد و دایره‌ای بعنوان سر و دو تا خط زیر آن بعنوان پا ، غالب رنگ‌ها را از یکدیگر تشخیص داده و می‌شناسند ، باقیچی‌های کوچک کاغذها را قیچی می‌کنند ، بتدریج معنی و مفهوم اشیاء اطراف و محیط خود را درك می‌کنند ، با اشیاء خانگی و موارد استعمال آنها آشنا می‌شوند ، با قاشق بخوبی غذا می‌خورند ، هر وقت احتیاج به

توالث داشته باشند میگویند و قبلا خبر میدهند .

## کارهای کودکان چهار ساله

می‌کشند، نامت ۲۰ دقیقه می‌توانند بکار مخصوص خود را سرگرم کنند . و طرز کار بعضی وسائل خانگی از قبیل زنگ اخبار ، تلفن ، گاز و اجاق برقی را میدانند . راجع به کاری که با آنها مراجعه می‌کنید توضیح می‌خواهند و مایلند که اول خودشان لزوم انجام آن کار را تشخیص دهند. در مورد به اشیاء اطراف خود زیاد صحبت می‌کنند .

## کار کودکان شش ساله

کودکان شش ساله به بازیهای دستجمعی از قبیل فوتبال ، هندبال ، دزد و پلیس و غیره علاقه دارند با کودکان دیگر دوستی و صمیمیت پیدا می‌کنند، اگر چه به تنهایی می‌توانند راجع به کاری نقشه کشیده و اجرا کنند ولی خیلی دوست دارند که بزرگترها آنها را در اینکار راهنمایی کرده و بتوانند با معاضدت بزرگسالان یک کاری را انجام دهند ، نام و نام خانوادگی خود را بوضوح و بطور کامل می‌گویند ، به ساعت و ترمومتر نگاه کرده و طرز استفاده آنها را فرا میگیرند ، تا عدد ۳۰ و یا ۵۰ را ممکن است بتوانند بشمارند ، با نقاشی‌هایی که می‌کنند نشان میدهند که زیادتر بجزئیات اشیاء و اشخاص اطراف خود دقت می‌کنند ، مثلا در تصاویر انسان کلاه ، عینک ، مو ، لباس و حتی در پاره‌ای از موارد تکمه‌های لباس او را می‌کشند ، با عوامل طبیعی مانند آفتاب ، باران روز ، شب ، گرما ، سرما مهتاب ، جوانی ، پیری ، چاقی و لاغری و جزئیات آنها آشنایی پیدا کرده و معنای آنها را می‌فهمند .

کودکان اگر قبل از رفتن به مدرسه اسباب بازی و اشیاء متعلق بخود را بدیگران ندهند این یک امر طبیعی است ولی باید با آنها آموخت که اگر چیزهای متعلق بخود را بدیگران تقسیم کنند و با آنها شریک شوند اینکار عیبی نخواهد داشت و محبوبیت آنها را زیادتر میکند . کودکانی که در این سنین اشیائی را میدزدند ، اینکار را فقط برای این انجام میدهند که

بچه چهارساله با مهره می‌تواند دروازه و خانه درست کند ، یاد میگیرد که بچه‌ها چگونه بوجود می‌آیند و پسر و دختر چه فرقی باهم دارند ، شکل یک انسان را با سر و دست و پامی کشد ، صورت خود را می‌شوید و خشک می‌کند ، خوشش می‌آید که با کودکان دیگر همبازی گردد و از تنهایی ناراحت می‌شود . کم کم یاد می‌گیرد که درست حرف بزند ، در خارج از خانه سعی می‌کند که راه خود را بشناسد و پیدا کند ، راه‌های کوتاه را مستقلا می‌رود و مراجعت می‌کند از عرض یک کوچه باریک و خلوت می‌تواند بگذرد ، خوشش می‌آید اشیاء و اجسام را به قطعاتی مجزا از یکدیگر تقسیم کرده و دوباره آنها را متصل کند ، باسانی ادای افراد مختلف ، پدر ، مادر ، دکتر ، فروشنده ، گاو باز و راننده را در می‌آورد ، باسانی توپ را بطرف مقابل پرتاب کرده و اتومبیل‌های کوچک و اسباب بازی را به جهت و سوئی که بخواهد بادست میراند ، از قصه حیوانات خوشش می‌آید ولی ترجیح می‌دهد که قصه‌هایی راجع با افراد و یا بچه‌های دیگر برای او بگویند .

## کارهای کودکان پنجساله

کودک پنجساله دست چپ و راست خود را تشخیص میدهد ، یاد می‌گیرد با کارد و چنگال غذا بخورد ، بدون کمک دیگران می‌تواند لباس و کفش بپوشد و یا آنها را در بیاورد ، ده سکه را می‌تواند بشمارد و آنها را رویهم حساب کند ، مرتب سؤال می‌کند که معنی کلمات چیست ؟ او زیاد سؤال میکند و کنجکاو است و همه چیز را می‌خواهد بفهمد و بهترین موقع است که بنام سئوالات او جواب دهید و او را در مشکلاتش راهنمایی کنید ، بچه‌های پنجساله در نقاشی‌های خود از انسان برای سر او چشم و ابرو و دهان و گوش و گاهی اوقات گردن هم

اشیاء متعلق بخود را زیادتر کنند و در حقیقت دوست دارند هر قدر ممکن است متعلقات خود را توسعه دهند .

نکته مهمی را که پدران و مادران باید بدان توجه کنند اینست که درسه سالگی اسباب بازیهای را برای بچه‌ها خریداری کنند که برای بازیهای اجتماعی آنها مناسب و مفید باشد . برای آنکه کودکان خود را اجتماعی‌باریآ ورید گاهی از اوقات بچه‌های همسایه را دعوت کنید بخانه شما بیایند تا بچه‌ها باهم بازی و معاشرت کنند و قبل از آنکه بچه‌های دیگر بمنزل شما بیایند از کودک خود پرسید کدام اسباب بازی خود را خیلی دوست دارد و آن اسباب بازی را بردارید و کنار بگذارید تا وقتی بچه‌های دیگر آمدند و خواستند با اسباب بازیها دست بزنند کودک شما بخاطر اسباب بازی که دوست دارد سروصدا و دعوا راه نیندازد و با بچه‌ها قهر و نزاع نکند ، اینکار بکودک شما درس زندگی میآموزد و باومی فهماند که در اجتماع باید با دیگران سرسازش داشت .

در سن شش سالگی بطوریکه روان شناسان عقیده دارند در مرحله تکامل فکری کودک شروع میشود ، هر قدر کودکی بیشتر سؤال کند و جواب زیاده‌تری بشنود فهم و استعدادش بالاتر میرود ، در این سن کودکان علاقه زیادی بداستان‌های خیالی مانند تارزان ، روبینسون و ماجراهای جادوگران و غیره دارند و گاهی اوقات وقتی این داستانها را شنیدند گرفتار ترس و وحشت هم می‌شوند و شبها مخصوصاً در اطاق خواب خود با قهرمانان داستانهای که شنیده‌اند دست بگریبان می‌شوند ، شما باید در این موارد کاملاً ذهن آنها را روشن کنید و حقایق را با آنها بفهمانید ، هیچگاه پس از تماشای يك فیلم تلویزیونی نگذارید که بچه‌ها مستقیماً بروند و بخوابند

قبلاً با آنها درباره فیلم صحبت کنید و بگوئید که بعضی از صحنه‌های آن حقیقت ندارد .

« رابرت یانگ » دانشمند معروف و کارشناس مسائل آینده در مورد تربیت و پرورش نظرات جالبی را در کتاب خود بنام ( زمان پیش از مدرسه ) عرضه می‌کند وی در آن کتاب میگوید :

« کودکان را باید برای مقابله و روبرو شدن با اشتباهاتی که مرتکب خواهند شد آماده کرد ، در اجتماع امر و زما خیلی‌ها عقیده دارند که اشتباه بسیار بد است و باید قبلاً کاری کرد که اشتباه اصولاً پیش نیاید ، و حال آنکه اشتباه در حقیقت لازمه زندگی انسان است و تا کسی اشتباه نکند راه صحیح زندگی را نمی‌یابد ، کسانی که یکبار دچار اشتباه می‌شوند بعد راه صحیح را تشخیص میدهند بمراتب بهتر از آنهایی هستند که بارها نمایی دیگران راه صحیح را انتخاب کرده‌اند . »

توصیه مهمی که در پایان این مقال باید بپدران و مادران بکنیم اینست که در سال قبل از مدرسه تا می‌توانید با کودکان خود کار کرده و وقت صرف آنها ننمائید ، لازم نیست با آنها الفباء و نوشتن و خواندن را یاد بدهید نه ، این کار شما نیست و کار مدرسه است ، با آنها چیزهایی را که باید بدانند یاد بدهید ، معنای بالا ، پائین ، راست و چپ و سایر چیزهایی را که قبلاً گفتیم با آنها بیاموزید . به بچه‌ها غذاهای ویتامین و پروتئین دار بدهید ، با آنها بگردش در هوای آزاد بروید ، بگذارید که ورزشهای مختلف و مخصوصاً شنا کنند .

بچه‌ها را عادت دهید که متکی بخودشان باشند و بتوانند خود را اداره کنند و هرگز فراموش نکنید که بهترین تعلیم دهنده بچه‌ها خود شما می‌توانید باشید نه مدرسه .